

کارکرد دین در عرصه‌های نظام‌سازی اخلاقی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۰

----- امیر غنوی*

چکیده

نیاز به طرح منسجم آموزه‌های دینی در ابعاد مختلف زندگی، متفکران مسلمان را به سوی ترسیم نظامات دینی کشانده است تا در مواجهه با مکاتب مختلف و در ارائه نظام‌های پاسخ‌گو نسبت به نیازهای فرد و جامعه موفق‌تر عمل کنند. در این رویکرد برای حفظ اصالت اندیشه و امکان استناد آن به اسلام باید سهم و کارکرد دین در عرصه نظام‌سازی را مشخص کرده، از افراط و تفریط دوری جست. در این تحقیق تلاش شده با توجه به مبانی کلامی، رسالت دین در این عرصه را معلوم و توقع از آن در همین چارچوب مشخص گردد؛ همچنین چگونگی تأثیر آموزه‌های دینی در انواع نظام‌سازی‌ها و خرده‌نظام‌ها خصوصاً در حوزه اخلاق بررسی شود. آنچه این تحقیق به انجام رسانده، تعیین دقیق‌تر معنای نظام و مراد از نظام‌سازی است که در این کار از رویکرد موشکافی‌های بی‌جا در لغت و اصطلاح دوری شده و با تمرکز بر جهت‌نیاز به نظام‌سازی به تعیین قالب‌های لازم پرداخته شده است؛ همچنین با تکیه بر باور به جامعیت اسلام تلاش شده گستره بهره‌گیری از آموزه‌های قرآن و حدیث برای ساخت هر شکل از نظام‌ها معلوم گردد.

واژگان کلیدی: نظام‌سازی، نظام اخلاقی اسلام، کارکرد دین، عرصه‌های نظام اخلاقی.

افزایش آگاهی، پیشرفت تکنولوژی و شکل‌گیری ارتباطات نوین، معضلات اجتماعی و اخلاقی را به صورتی دشوار و چندوجهی درآورده است. در گذشته مسائل اخلاقی می‌توانست با بیان ساده و روان پاسخ داده شود؛ اما امروز پاسخ به هر مسئله نیازمند توجه به جایگاه آن در مجموعه مسائل اخلاق اجتماعی و فردی است و چنین توجه و اشرافی محتاج تکیه بر آگاهی‌های نظام‌مند از آموزه‌های اخلاقی است. ما با پذیرش اسلام به عنوان مکتب پاسخ‌گو نیازمند استنباط چنین نظامی از مجموعه معارف اخلاقی دین هستیم. رسیدن به چنین نظامی در وضعیتی کمبود سوابق تحقیقاتی و فقدان تبویب مناسب ادله کاری دشوار است. افزون بر این وفور اطلاعات و وجود مدعیان پاسخ‌گویی در میان مکاتب و افراد دغدغه‌های دیگری را برای محقق پایبند به دین پدید می‌آورد؛ دغدغه‌هایی مانند اصالت اندیشه و استناد آن. این دغدغه زمانی شدت می‌گیرد که با بی‌قیدی اهل دیانت در استفاده بی‌محابا از اندیشه‌های دیگران مواجه می‌شویم؛ اندیشه‌هایی که آبخورهای متفاوتی دارند و بر مبانی ناسازگار با دین اتکا دارند. کار هنگامی دشوارتر می‌شود که در استفاده از ادله دینی سختی‌های رسیدن به حجت و دلیل مقبول را تجربه کنیم و با این نگرانی همراه شویم که مبدا خودساخته را بر دین تحمیل کنیم و این گونه به التقاطی زینت شده مبتلا گردیم.

رسیدن به نظام‌های اخلاقی اسلام با مشکل نیازمندی به جامعیت نیز روبه‌روست. متفکران مسلمان بر این باورند که دین آنان پاسخ‌گوی همه نیازهای بشر تا روز قیامت است و این مدعا آنان را با گستره خاصی از سؤالات مواجه کرده، سازوکار بسیار پردامنه‌ای را برای التزام به آن ادعا طلب می‌کند؛ همچنین مجموعه ناگزیر از داشتن انسجام و ارتباط است تا طرح‌ها متناقض به نظر نرسیده، در اجرا عملاً یکدیگر را خنثی نکنند.

تعیین نقش دین در نظام‌سازی همان اندازه مهم است که مشخص کردن عرصه‌ای که نیازی به دخالت دین در آن عرصه نیست. دین تنها ابزاری نیست که انسان برای یافتن پاسخ‌هایش به آن مجهز شده است. در تفریع و در تطبیق و همچنین در شناخت قواعد حاکم بر هستی و در شناخت مسائل و مشکلات موجود فکر و عقل راهگشایی می‌کنند و به یاری دین می‌آیند. در ساختن نظام‌ها

پاسخ به برخی پرسش‌های مبنایی بر عهده دین است؛ ولی پاسخ بقیه پرسش‌ها را با تفریع همان پاسخ‌های دینی می‌توان یافت و در شناخت رابطه میان پدیده‌های خارجی یعنی عرصه علم تجربی و در درک جامعه یا فردی که نظام برای او طراحی شده، باید بر منابع دیگری تکیه کرد که چنین ظرفیتی را پروردگار به آنان داده است.

در این نوشته تلاش بر این است که کارکردهای دین در عرصه‌های نظام‌سازی اخلاقی ترسیم شود؛ از این رو ابتدا تحت عنوان کلیات، به بررسی مفاهیم و سوابقی می‌پردازیم که برای تعیین چارچوب بحث و همچنین تشخیص راهی که تا کنون طی شده، ضروری است. بخش دوم مقاله به دین و نظام‌سازی اختصاص دارد و از مسئولیت دین در این زمینه و ظرفیت مغفول منابع دینی بحث می‌کند. بخش سوم عرصه‌های نظام‌سازی در اخلاق را و بخش چهارم دشواری‌های راه را نشان داده و آخرین گفت‌وگو کارکردهای دین در شکل‌گیری نظامات اخلاقی را برمی‌شمارد.

۱. مفاهیم

به جهت رعایت اختصار، صرفاً از دو مفهوم اخلاق و نظام گفت‌وگو می‌کنیم که اولی گرفتار مشابهت‌هاست و دومی متأثر از تفاوت رویکردها.

۱-۱. اخلاق

واژه اخلاق در معانی متنوعی به کار رفته است. مجموعه‌ای از پندها و اندرزها، سنت‌های جاری و متداول جامعه، فضایل و رذایل نفسانی و ارزش‌های فردی و اجتماعی همگی تحت این عنوان قرار گرفته‌اند (صانعی دره‌بیدی، ۱۳۷۸، مقدمه). بهتر است معنای نخست با تعبیر «گفت‌وگوهای اخلاقی» از وادی بحث‌های علمی خارج گردد؛ اما بحث دوم امروزه با نام اخلاق توصیفی شناخته می‌شود که بیشتر گزارشی است تحلیلی از هنجارهای مقبول یا نامقبول. البته می‌توان دامنه این نوع گزارش‌ها را توسعه داد و از اخلاقیات بزرگان، روند رشد یا انحطاط اخلاقی جوامع، چگونگی ایجاد تحول در جوامع از سوی مربیان بزرگ و اموری از این قبیل نیز در عرصه اخلاق سخن گفت که توصیه‌های ایجابی و سلبی را نیز به دنبال داشته

باشد. اخلاق به معنای بحث از فضایل و رذایل همان است که در میان مسلمانان با عنوان علم اخلاق شناخته می‌شود و امروزه با روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، زیست‌شناسی و حتی بعضی شاخه‌های پزشکی درهم می‌آمیزد.

در همه موارد فوق یک عنصر مفهومی مشترک قابل تشخیص است: بحث از منش و روش. اگرچه گاه از آنچه هست (سنت‌های جاری و متداول جامعه) و گاهی از آنچه باید باشد، بحث می‌کنیم. اخلاق حتی آنجا که به یک مکتب و اعتقاد اضافه شده، عنوان‌هایی مانند اخلاق سوسیالیستی و اخلاق دینی به دست می‌آید، باز از منش و رفتار برخاسته از باوری خاص گفت‌وگو می‌کند. در گفت‌وگوهای اخلاقی باید به تفاوت میان کاربرد این واژه در ادبیات علمی مسلمانان و نوشته‌های مدرن غرب توجه داشت. در سنت مسلمانان، اخلاق علمی است که از ویژگی نفسانی انسان گفت‌وگو کرده و چگونگی شکل‌گیری رذایل و فضایل را بررسی می‌کند؛ اما در نوشته‌های اخلاقی دوره‌های اخیر، اخلاق گفت‌وگو از ارزش‌ها و نظام آنهاست؛ اخلاق هنجاری از نظریه‌ها و از گزاره‌های مبنایی سخن می‌گوید که قضاوت‌ها و احکام ارزشی را شکل می‌دهد؛ فرا اخلاق از منظری متفاوت به چیستی این گونه گزاره‌ها و ارزیابی آن‌ها توجه دارد؛ اخلاق توصیفی از این قضاوت‌ها و ارزش‌گذاری‌ها در افراد یا اقوامی خاص گزارش داده و تربیت اخلاقی از چگونگی اثرگذاری بر دیگران برای رساندن سطحی خاص از بلوغ اخلاقی خبر می‌دهد.

۲-۱. نظام

نظام در لغت به معنای مصدری و به معنای نخی است که با آن دانه‌های پراکنده را به نظم می‌کشند.* معادل آن در ادبیات علمی امروز واژه سامانه در فارسی و واژه «System» در انگلیسی است. مروری بر تعاریف سیستم مدخل خوبی برای رسیدن به تصویری دقیق‌تر از این اصطلاح است:

۱. موضوعی پیچیده، متشکل از عناصری که با تعدادی روابط به یکدیگر مرتبط‌اند.*

* النِّظامُ کلُّ خِیْطٍ یَنْظُمُ بِهِ لَوْلُوهُ أَوْ غَیْرُهُ فَهوَ نِظَامٌ وَ الْجَمِیعُ (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۱۶۶).

* <https://www.fusd1.org/site/default.aspx>.

۲. واحدی کلی که از روابط موجود میان عناصر، کنش‌ها یا اشخاص سازمان یافته است.*
- ویژگی مشترک دو تعریف فوق، سادگی و تأکید صرف بر روابط است. در تعریف اول، نظام مجموعه اجزای مترابط است؛ ولی در تعریف دوم بر وحدت مجموعی تأکید شده است.
۳. نظام مجموعه پیچیده و سازمان‌یافته‌ای از اجزای به هم وابسته است که در راه نیل به هدف‌های معینی با یکدیگر هماهنگی دارند.**
۴. نظام، مجموعه‌ای پیچیده و سازمان‌یافته است که از روابط تعاملی موجود بین عناصر، کنش‌ها یا اشخاص تشکیل شده و این اجزا بر یکدیگر به طور پویا اثر می‌گذارند و برای به‌انجام رساندن کار یا دست‌یافتن به هدفی خاص سازمان یافته‌اند.***
۵. نظام جریانی است که به مجموعه‌های مرتبط هدفمند، معنا داده و آنها را تبیین می‌کند؛ جریانی که مبنا، مقصد، روش و راه و مراحل را مشخص می‌نماید.****
- در تعریف سوم به هدفمندبودن اجزا و روابط و در تعریف چهارم بر پویایی ترابط توجه شده است. تعریف پنجم، نظام را از مجموعه‌های مرتبط هدفمند تفکیک کرده، معنادهی و تبیین مجموعه‌های مزبور را بر عهده نظام می‌گذارد. این نظام است که در این مجموعه‌ها مبنا، مقصد، روش، راه و مراحل را مشخص می‌کند.
۶. نظام یک مجموعه معرفتی از مفاهیم و گزاره‌های حاکی از واقعیت هستی آدمی است و حضور فعال فکری و عملی انسان را در صحنه زندگی تأمین می‌کند (ر.ک: تیلیش، ۱۳۸۱).
- در این تعریف صرفاً با نوع خاصی از نظام یعنی نظام معرفتی مواجه‌ایم که به واقعیت هستی و حیات آدمی، نه قواعد صوری و انتزاعی، پرداخته و در نتیجه زمینه‌ساز حضور فعال در صحنه زندگی است.
۷. نظام عبارت است از تبیین و تعریف یک حرکت متشکل از مبدأ، مقصد، متحرک، مسیر، روش و مراحل حرکت بر مبنای معرفتی تعریف‌شده، به گونه‌ای که جهت حرکت، رشد متحرک

* <https://www.yourdictionary.com/system#websters>.

** <https://dictionary.cambridge.org/pl/dictionary/english/system>.

*** <https://www.yourdictionary.com/system#websters>.

**** <http://www.businessdictionary.com/definition/system.html>.

بوده و حرکت پوچ و بی معنا نباشد.*

در تعریف اخیر این نکته مهم مورد توجه قرار گرفته است که نظام تبیین یک حرکت است، آن هم حرکتی به سوی بالا، یعنی رشد.

از مجموعه تعریف‌های فوق می‌توان به عناصر مفهومی نظام دست‌یافت:

۱. تکثر اجزای مجموعه
 ۲. ارتباط مستمر میان اجزا که همان پویایی ارتباط است.
 - این دو ویژگی پیچیدگی به دنبال خواهد داشت.
 ۳. هدفمندی در روابط.
 ۴. سازگاری اجزا و هماهنگی متقابل.
 - ۵ - جهت حرکت در نظام مثبت بوده و حرکت، پوچ و بی معنا نیست.
- به هر روی واژه نظام ظرفیت لازم برای به‌کارگیری در هر یک از معانی فوق را دارد و ما با توجه به هدفی که از بحث نظام‌ها دنبال می‌کنیم و با عنایت به چگونگی آموزه‌های اسلامی می‌توانیم یک یا چند مورد از قالب‌های فوق را برای ارائه بحث خویش انتخاب کنیم.
- تنوع نظام‌ها را با توجه به چند نکته می‌توان دریافت:

اول: نظام‌ها گاهی برای گزاره‌های توصیفی ایجاد ارتباط می‌کنند و گاه برای گزاره‌های تجویزی؛ مثلاً هنگامی که از نظام فکری اسلام سخن می‌گوییم، گاه منظور ما سازمانی از گزاره‌های توصیفی است که از انسان، هستی و نقش انسان در هستی خبر می‌دهد. در چنین سازمانی، گزاره‌هایی در پایه و اساس قرار می‌گیرند که سایر گزاره‌ها در اثبات خود به آنها تکیه دارند؛ مثلاً مبانی معرفت‌شناختی ابتدایی‌ترین گزاره‌ها بوده، سپس گزاره‌های هستی‌شناختی و انسان‌شناختی مورد توجه قرار می‌گیرند و در ادامه، همه گزاره‌های اعتقادی دین با ترتیبی قرار می‌گیرند که اثبات آنها از طریق استدلال رخ می‌دهد.

اما همین تعبیر را می‌توان در جایی به کار گرفت که از ترتیب آموزش و تعلیم گزاره‌های توصیفی مزبور سخن می‌گوییم. در این صورت ابتدا از گزاره‌هایی باید سخن گفت که در امر

* <http://www.businessdictionary.com/definition/system.html>.

آموزش مقدم می‌شوند که در آن، توجه به سهولت در فهم و ایجاد انگیزه‌های روانی برای ادامه بحث مورد توجه قرار می‌گیرد.

دوم: نظام‌سازی برای مکاتب به تعدد عرصه‌هایی رخ می‌دهد که مدعی ارائه طرح در آن‌اند. با پذیرش اسلام به عنوان دینی که برای همه عرصه‌های زندگی راهگشاست، باید در همه عرصه‌هایی که انسان در حیات فردی و اجتماعی خود نیاز به هدایت و برنامه‌ریزی دارد، طرحی جست و نظامی ارائه داد. اسلام با تربیت انسان‌ها کار خود را آغاز کرده و تنظیم حیات فردی را بر تدبیر حیات اجتماعی مقدم داشته است. ما نیز ملزم هستیم نظامات فردی و نظامات اجتماعی اسلام را ارائه کنیم؛ یعنی همه آنچه را که از آغاز تا انجام تربیت مورد نیاز است، طرح کرده، سپس از نظام تحولاتی سخن بگوییم که فرد در مسیر تحول فکر، احساس و عمل خویش باید پی بگیرد. همچنین باید از نظام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... بحث کرد و به ترسیم مسیری پرداخت که آغاز تا انجام هر یک از این تحولات را از نگاه اسلام مشخص کند.

سوم: نظام‌های اسلامی هر یک در دل خود خرده‌نظام‌هایی را جای داده‌اند؛ به عبارت دیگر نظام ارائه‌شده برای حل مشکل در یک عرصه حیات این امکان را دارد که از زاویه یک قسمت خاص مورد توجه قرار گرفته، شیوه حل مشکلات آن قسمت به‌تنهایی و به گونه‌ای نظام‌مند ترسیم شود؛ مثلاً اگر نظامی برای حیات اخلاقی تصویر شده است، این امکان وجود دارد که بر اساس یافته‌های نظام اخلاقی و سایر آموزه‌های دین به کشف خرده‌نظام‌هایی دست زد که هر یک چگونگی حل مشکلات یک بخش از مشکلات اخلاقی را توضیح می‌دهند.

۲. دین و نظام‌سازی

بخش عظیمی از آموزه‌های دینی به حوزه اخلاق اختصاص دارد. این آموزه‌ها اگرچه هر یک به‌تنهایی حاوی ظرایف و دقایق بسیاری هستند، درک عمیق‌تر این آموزه‌ها با فهم ترابط میان آنها مقدور خواهد بود؛ زیرا آموزه‌های دینی مجموعه‌ای مترابط، منسجم و هدفمندند و فهم عمیق یک عضو در گرو یافتن نقش آن در مجموع رابطه‌هاست. همچنین پذیرش جامعیت و خاتمیت اسلام به معنای پاسخ‌گودانستن آن در برابر تمام نیازهایی است که فراروی آن تا قیامت تحقق یافته و

می‌یابد. اگر اسلام در آغاز با جامعه‌ای مواجه بود که پاسخ به نیازهای فکری با استدلال‌های ساده و ارجاع به درک‌های فطری میسر می‌بود، اگر در دوره‌های بعد با رشد فکری جامعه و با طرح سؤالات و شبهات از داخل و خارج، نیاز به آموزش‌های عمیق‌تر و استدلال‌های پیچیده احساس شده و اولیای دین با شکافتن لایه‌های ظاهری علم دین و ارائه آموزش‌های عمیق، به این نیاز پاسخ داده و اذهان تشنه را سیراب کردند، اما در این عصر پیچیدگی‌های زندگی انسانی، صرفاً با ارائه مکتب‌ها و نظام‌های فردی و اجتماعی پاسخ می‌گیرد و دین باید در برابر سایر مکاتب و نظام‌ها به طرح نظام‌های فردی و اجتماعی خویش بپردازد.

افزون بر این، مکارم اخلاقی و جلوه‌های صاحبان مکارم، جذابیت کافی برای کشاندن مشتاقان معنویت به درگاه دین را داراست؛ ولی این جذب‌ه برای حرکت و سلوک کافی نیست و محتاج ارائه طرحی جامع است؛ طرحی که راه را از ابتدا تا به نهایت نشان دهد و مراحل، مرکب‌ها، موانع، آفات، علائم و هر آنچه را در این سیر بدان نیاز است، مشخص کند؛ طرح جامعی که از آن به «نظام اخلاقی اسلام» تعبیر می‌کنیم.

همچنین بحث از اخلاق‌های مضاف یکی از حوزه‌های مورد توجه و پرچالش مباحث امروز اخلاق است و تدوین اخلاق‌های صنفی، سازمانی و تدوین سند اخلاقی برای گروه‌های مختلف، یکی از محورها و اولویت‌های مورد توجه برنامه‌ریزان و مدیران آنهاست. ریشه‌های همه انواع اخلاق‌های مضاف را باید در باورهای بنیادین در عرصه اخلاق جست‌وجو کرد؛ از این رو باید به بحث از «نظام اخلاقی اسلام» بپردازیم تا بنیادی‌ترین باورهای اخلاقی اسلام را به دست دهیم.

افزون بر این همه، تتمیم مکارم اخلاق یکی از بزرگ‌ترین اهداف رهبران حکومت‌های الهی است. اما برنامه‌ریزی حکومت در این حوزه نیازمند وجود تصویری نظام‌مند از اخلاق اسلامی است، تا بر پایه آن بتوان اقدامات لازم برای توسعه و تعمیق اخلاق را سامان داد.

گفت‌وگوها درباره نظام اخلاقی زمینه مناسبی را برای مطالعات تطبیقی در حوزه اخلاق فراهم می‌کند؛ چراکه در مقایسه دو طرح باید به مقایسه اجزا اکتفا نکرد و توجه داشت که اجزا یک طرح در میان رابطه‌هایش با سایر اجزا تفسیر شده و توضیح می‌یابد و تفاوت اصلی میان دو طرح ممکن است در نوع ترکیب اجزا و تقدم و تأخرها و شروع و ختم‌ها باشد نه در مفردات.

غناى منابع

رسولان الهی در ایفای رسالت خویش به سطح درک مخاطب و مخاطبان و به نیاز آنها توجه داشته، آموزش‌های خویش را به زبان و در سطح مردم عرضه می‌کردند؛ گرچه در این عرضه، نیاز فرد و جامعه مخاطب را در نظر می‌گرفتند. پیامبر اسلام ﷺ با وجود این محدودیت، رسالت هدایت جوامع تا روز قیامت را بر دوش داشت و به همین جهت در ارائه آموزه‌های دینی ناچار از اتخاذ شیوه‌ای متفاوت بود. او توانست به زیباترین و حکیمانه‌ترین شیوه، این رسالت را به انجام رساند و سنت او در کلام جانشینان او نیز ادامه یافت. او در کنار روشنی بیان، با لحاظ مشکلات دوره‌های بعد، به القای کلیات و همچنین بیاناتی چندلایه پرداخت. کلیاتی که او می‌گفت مصادیق روشنی داشت که درک آنها برای مخاطبان آن عصر دشوار نبود؛ ولی مصادیق و معجاری پنهان بسیاری را در داخل خود جای داده بود* تا اهل دقت و فهم به فراخور ظرفیت وجودی و سعه فهم خویش و به میزانی که به پرسش‌های اساسی و تازه‌ای می‌رسیدند، پاسخ سؤال و نیاز خود را در کلام او بیابند.

۶۳

تیسب

کارکرد دین در عرصه‌های نظام‌سازی اخلاقی

کتاب خدا نیز از خصوصیتی برخوردار بود که گره‌گشایی خاصی به آن می‌بخشید و آن را پاسخ‌گوی همه نیازهای آتی نیز می‌کرد. این ویژگی ترکیب غریب آیات و تفرق حساب‌شده بیانات بود. پراکندگی متعمدانه بیانات قرآنی نه فقط ضرورت ولایت و نیاز به تمسک به هر دو ثقل را گوشزد می‌کرد، این امکان را فراهم می‌آورد که در ترکیب این همه قاعده‌های توصیفی و تجویزی برای هر مشکلی بتوان راه حلی داشت و همه ابهام‌ها و سؤال‌های نسل‌های بعد را پاسخ داد.** این حساب‌شدگی در پراکنده‌ها را در کلمات معصومان ﷺ نیز شاهدیم؛ کلماتی که در کنار یکدیگر به تفسیرها و تبیین‌های تازه‌ای راه می‌دهند.***

جلای از ویژگی‌های محتوایی و سلوب‌های خاص بیان که پاسخ‌گویی دین برای جمیع اعصار را ممکن می‌کرد، توجه به تفاوت اصحاب در فهم و حفظ و حراست آموزه‌ها، امکان دیگری را برای معصومان ﷺ فراهم نمود. گروهی که با درک مناسب‌تر و ظرایف و طرایف را دریافته، به هنگام تفریع و تطبیق، دقت بیشتری می‌ورزیدند، از آموزش‌های

* عن النبی ﷺ: ... رُبَّ حَامِلٍ فُقِهٍ غَمِيْرٍ فُقِيْهِ وَرُبَّ حَامِلٍ فُقِهٍ اِلَى مَنْ هُوَ اَفْقَه» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۰۳).
روایات بطون قرآن نیز در همین زمینه درخور توجه است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۷۸-۱۰۵).
** «تبیاناً لکل شیء» (نحل: ۸۹/ برای بررسی روایات ذیل آیه، ر.ک. صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۱۲۷-۱۲۸ و ۲۲۸).
*** کلام اولنا مصادق لکلام آخرنا (کشی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۹۰).

خاصی برخوردار می‌شدند. همین است که در روایات زراره و امثال او در ققه و در روایات هشتم بن حکم در کلام آموزش نکات لسانی و قواعد کلیدی را بیشتر شاهدیم یا در روایات جابر بن یزید جوامع الکلم را می‌یابیم. این روایات در هر بابی، امهات آن باب را تشکیل داده، سایر بیانات وارده بر اساس آنها تفسیر و توجیه می‌شوند.

۳. عرصه‌های نظام‌سازی اخلاقی

پیش‌تر گفتیم که اخلاق دو مصطلح رایج دارد. مصطلح نخست در ادبیات مسلمانان ریشه داشته، از چگونگی تحول نفس به سوی فضایل یا رذایل بحث می‌کند و از آن به علم اخلاق نیز تعبیر می‌شود. اخلاق به این معنا مسلماً عرصه نظام‌سازی است. بهترین قالب برای نظام‌سازی در این معنا از اخلاق، همان قالبی است که در میان تعاریف نظام به عنوان تعریف هفتم از آن یاد شد؛ چراکه در آن تعریف، نظام تعریف از یک متحرک بود؛ از نقطه‌ای حرکت خود را آغاز و در مسیری مشخص به سوی هدف حرکت می‌کرد. نظام‌سازی بر اساس این تعریف، ما را به ترسیم حرکت انسان می‌کشاند؛ ترسیم حرکت از آغاز تا انجام و تعیین مراحل، مشکلات و راه حل‌های آن. این قالب قرابتی با کاربرد عملی داشت و همانند راهنمایی روشن، تکلیف رهرو را در تمام مسیر مشخص می‌کرد.

بنا بر مصطلح دوم که ادبیات اخلاقی معاصر بر مدار آن است، نظام اخلاقی اسلام یعنی گفت‌وگو درباره نظام ارزش‌های دینی. در این بررسی لازم نیست به تعریف هفتم از نظام پایبند بمانیم؛ زیرا آنچه در این گفت‌وگو مطلوب است، ترسیم ساختاری است که ارزش‌های اخلاقی اسلام را از بنیان تا ساده و کاربردی ترسیم کرده و از شیوه استنباط ارزش‌های کاربردی از ارزش‌های بنیادین و همچنین از نسبت میان ارزش‌های هم‌سطح و چگونگی حل تعارض میان آنها خبر دهد.

مباحث تربیت اخلاقی در اسلام نیز که عهده‌دار بحث از چگونگی انتقال ارزش‌های اسلامی به دیگران است، در زمره مباحثی قرار می‌گیرد که آموزه‌های دینی توجهی ویژه به آن داشته است. از این مباحث می‌توان در قالب نظامات تربیت اخلاقی گفت‌وگو کرد. این نظامات بر اساس تعریف هفتم از نظام، از مسیری سخن می‌گویند که برای تربیت فرد بر پایه گزاره‌های دینی طی کرد.

در حوزه اخلاقیات کاربردی و حرفه‌ای نیز می‌توان از نظام سخن گفت و به تناسب نوع کار و افراد و مؤسسات مورد گفت‌وگو نظام‌سازی کرد. این گونه نظامات نگاهی کاملاً کاربردی دارند و باید از قالب‌هایی برای ترسیم نظام استفاده کرد که با روند عمل همساز باشند. در این عرصه، نظام‌سازی هم در قالب تعریف هفتم و هم در شکل تعریف پنجم قابل اجراست. البته گفت‌وگوها در این حوزه از اخلاق به عرصه اجرا بسیار نزدیک بوده و طراحی نظام آن کاملاً متناسب با فضای خاص و شرایط ویژه‌ای خواهد بود که به ارتقای اخلاقی آن توجه شده است. نظامات پیشین با نظامات اخلاق کاربردی رابطه تولیدی دارند؛ ولی برای انطباق با شرایط خاص به ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... فضای مورد نظر تکیه کرده، متناسب با آن طرح می‌دهند.

در نگاه اول به نظر می‌رسد اخلاق توصیفی در گفت‌وگوهای «نظام اخلاقی اسلام» جایی نداشته باشد، چراکه اخلاق توصیفی از هنجارها یا اخلاقیات پذیرفته‌شده نزد اقوام خبر می‌دهد و نوعی گزارش‌دهی علمی از واقعیات خارجی تلقی می‌شود؛* اما در نگاهی دقیق‌تر می‌توان بسیاری از آموزه‌های اخلاقی اسلام را در این بخش جای داد؛ چراکه اخلاق توصیفی درحقیقت توضیح و تبیین روندی است که به تحول و تغییر اخلاقیات منجر شده است. گزارش‌دهی از اخلاقیات بزرگان مانند مباحث سنن النبی یا بحث از چگونگی تحول اخلاقی مسلمانان در صدر اسلام یا چگونگی رشد و تعالی شیعیان در پرتو رهبری ائمه علیهم‌السلام که همگی نوعی گزارش از چگونگی تحول در اخلاقیات است، داخل در دامنه اخلاق توصیفی قرار می‌گیرد؛ از این رو بسیاری از مباحث اخلاق توصیفی را می‌توان به چگونگی تحقق نظام اخلاقی اسلام تعبیر کرد و در میان مباحث نظام اخلاقی اسلام جای داد.

۴. دشواری‌های راه

تحقیق از منابعی بهره می‌جوید و از سوابقی استفاده می‌کند و با اسلوب‌های معتبر و مقبولی راه

* Kohlberg, Lawrence, (1971). "Stages in Moral Development as a Basis for Moral Education." In C.M. Beck, B.S. Crittenden, and E.V. Sullivan, Eds. Moral Education: Interdisciplinary Approaches. Toronto: Toronto University Press

می‌رود. در این تحقیق بهره‌گیری از هر سه رکن صعوبتی خاص دارد. منابع تحقیق اگرچه بسیار غنی است، تویب آن متناسب با این بحث نیست. یافتن مجموعه ادله‌ای که در هر یک از بخش‌ها و فصل‌ها و زیرفصل‌ها ممکن است قابل اتکا و استدلال باشند، کاری دشوار و نیازمند حوصله و صرف زمان بسیار است. یافتن ادله هر بحث و جمع‌آوری همه اسناد و ثبت و توجه به اختلاف نقل‌ها بخش مهمی از زمان این تحقیق را به خود اختصاص خواهد داد.

مشکل دوم، کمبود سوابق تحقیقی در خصوص نظام اخلاقی اسلام است. حوزه بحث نظام‌ها در اندیشه دینی از عمر چندانی برخوردار نیست و ادبیات موجود در این زمینه نیز عمدتاً به موضوعات اجتماعی یا اعتقادی اختصاص دارد. این فقر سوابق اگرچه اتکای تحقیق بر منابع را بیشتر و خلوص تحقیق از پیشداوری‌ها را فزون‌تر می‌کند، دغدغه سلوک در راه نرفته را نیز به همراه دارد.

آخرین معضل ناکارآمدی اصول فقه موجود برای این حوزه تازه فقهی است. اصول فقه موجود عناصر مشترک یا قواعد ممهّدی هستند که به کار استنباط احکام می‌آیند. فقه نظام‌ها به طور کلی و حیطه نظام اخلاقی به شکل خاص، ویژگی‌های خاص خود را دارد و مباحث دلیلیت و دلالت و نسب ادله در این اخلاق با سؤالات خاصی روبروست. از این اصول و مسائل خاص آن، در نوشته‌ای دیگر به تفصیل گفت‌وگو خواهیم کرد و در این مجال صرفاً به چند نکته اشاره می‌کنیم تا تفاوت‌ها محسوس‌تر گردد.

در حوزه دلیلیت کاربردی‌ترین بحث، گفت‌وگو از حجیت خیر واحد است. در اصول فقه احکام مشهور بر آن اند که خیر واحد حجت است. البته برخی خبر ثقه و برخی دیگر خبر موثوق الصدور را حجت می‌دانند؛ اما این بحث در اعتقادات محل اختلاف میان اعلام است؛ زیرا برخی جز یقین را در عرصه اعتقاد معتبر نمی‌شمارند. این بحث در فقه اخلاق چه وضعیتی خواهد داشت؟ از دیگر سو این سؤال مطرح می‌شود که بسیاری از گزاره‌های اخلاقی بر خلاف احکام، قابلیت تأیید با ابزارهایی چون تأمل باطنی و تحقیقات روان‌شناختی را دارند. آیا در صورت ضعف سند روایت این گونه امور جابر (جبران‌کننده) خواهند بود یا در صورت تکذیب و استبعاد، اثبات صدور روایت دچار مشکل خواهد شد؟

در مباحث دلالت نیز شاهد تغییرات مهمی در مباحث اصول فقه اخلاق خواهیم بود. اینجا دیگر سخن از حکم نیست تا از دلالت‌های عقلی و جوب و حرمت بر وجوب مقدمه و حرمت

ضد خاص و عام و از بطلان معامله و عبادت منهی عنہ و از دلالت امر و نہی بر وجوب و حرمت و ... گفت و گو شود.

در بخش سوم یا پایانی اصول فقه اخلاق به نسب ادله ہم پرداخته می شود؛ اما شاید شاهد بحث از حکومت و ورود نباشیم و در تعارض نیز با دستگاه متفاوتی برای تعادل و تراجیح روبه رو شویم؛ زیرا در فقه اخلاق حکومت و ورود از عناصر مبتلابه در امور استنباط نیست و پیدایش تعارض نیز معلول جهات متفاوتی از تعارض در فقه احکام و تابع دستگاه تعادل و تراجیح دیگری است. البتہ با وارد شدن بحث نظام‌ها در حوزه کار فقه، این بحث‌ها نیز نیازمند اصول تازه‌ای است که راه را در استنباط این مباحث نشان دهد و اصول فقه اخلاق نیز باید از اصولی گفت و گو کند که در استنباط نظام اخلاقی اسلام به کار گرفته می شود.

۶۷

پیش

کارکرد دین در عرصه‌های نظام‌سازی اخلاقی

۵. کارکردهای آموزه‌های دینی نظام‌سازی‌های اخلاقی

با تکیه بر گفت و گوهای پیشین اکنون می توان از اثربخشی‌های آموزه‌های دینی در ساخت نظام‌های اخلاقی سخن گفت. گفتیم که معنای متداول از اخلاق در مکتوبات مسلمانان گفت و گو از فضایل و رذایل است. به تعبیر دقیق‌تر اخلاق علمی است که از چیستی فضایل و رذایل و چگونگی رسیدن یا از دست دادن آنها و از آثارشان گفت و گو می کند. نظام‌سازی اخلاقی در این تعریف به معنای ارائه مسیری است که چگونگی تحول انسان را نشان داده و تغییرات فضایل و رذایل را معلوم می کند. بنیان این نظام‌سازی بر پایه معارفی است که اسلام به ما معرفی می کند. این معارف‌اند که چگونگی شروع تحول از زندگی طبیعی را نشان داده و تحولات انسان را گام‌به‌گام تا رسیدن به منزل مقصود توضیح می دهند (غنوی، ۱۳۹۲). این معارف و آموزه‌های اخلاقی نه تنها مبدأ و مقصد را و نه تنها مراحل با همان منازل را از زبان قرآن و روایات آموزش می دهند، بلکه آورده‌های بسیاری در خصوص چگونگی حرکت، ویژگی‌های هر منزل، نشانه‌های وصول به یک منزل و آثار و آفات و هر چیزی دارند که برای تکمیل این منظومه منسجم بدان نیاز است. البتہ با تعیین دقیق مبدأ، مقصد و منازل تحلیل محتوای ارائه‌شده و استفاده از تحلیل‌ها و استدلال‌های عقلی ما قادریم خود موفق به فهم همین امور بشویم؛ مثلاً اگر به درستی ویژگی‌های اهل تقوا از

آیات و روایات درک کنیم، خود قادر به تعیین بسیاری از علایم متقین شده و بخش بزرگی از آنچه را علی[ؑ] در خطبه متقین در توضیح علایم اینان آورده (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۰۵/ ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ص ۱۶۰/ ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، ص ۵۷۲)، با تحلیل و استدلال به دست آوریم؛ زیرا علامت‌های یک پدیده نمودهای بیرونی است که تحقق آن پدیده را بر ناظران بیرونی معلوم می‌کند و ما با رسیدن به درک دقیقی از آن پدیده این امکان را داریم که نمودها و علایم تحقق آن را تخمین بزنیم؛ همچنین تشخیص موانع و آفات یک ویژگی و خصلت نفسانی نیز چندان کار دشواری نیست؛ زیرا هر صفت نفسانی حاصل ترکیبی از معرفت و شناخت، عشق و ایمان، نیت و انگیزه‌های درونی و رفتارها و اعمال خارجی است و درک دقیق همه این امور در پرتو قرآن و روایات به ما این توانمندی را می‌دهد تا بتوانیم از موانعی سخن بگوییم که مانع از تحقق چنین ترکیبی خواهد شد و از آفاتی بحث کنیم که می‌تواند پس از تحقق این ترکیب، آثار مثبت را از بین ببرد.

در معنای دیگر اخلاق یعنی گفت‌وگو از نظام ارزش‌ها نیز دین آثار مهمی در نظام‌سازی دارد. در این تعریف از اخلاق، نظام‌سازی به قالب ششم نزدیک خواهد بود. در قالب ششم، نظام‌سازی به «ارائه یک مجموعه معرفتی از مفاهیم و گزاره‌های حاکی از واقعیت هستی آدمی» تفسیر می‌شد. اخلاق به معنای گفت‌وگو از نظام ارزش‌ها به خوبی در قالب ششم ممکن خواهد بود؛ چراکه در بررسی نظام ارزش‌ها تلاش می‌شود مجموعه گزاره‌های اخلاقی به صورتی منسجم تحلیل شده و نسبت افقی و عمودی گزاره‌ها با یکدیگر تبیین شود. آموزه‌های دینی در شکل‌دهی این ساختار منسجم و مترابط نقشی بنیادین دارند؛ زیرا با تعریف دقیق هدف اخلاق و تعیین قواعد اصلی اخلاقی، چه در فرض تراحم و چه در شرایط طبیعی، تمامی اموری را به دست می‌دهند که برای ساختاردهی به گزاره‌های اخلاقی و رسیدن به نظام ارزش‌ها به آن نیازمندیم. اخلاق کاربردی و در ادامه آن، اخلاقیات حرفه‌ای و نظام‌نامه‌های اخلاقی بر پایه نظام ارزش‌ها امکان شکل‌گیری می‌یابند. البته در این مسیر هرچه به فضای واقعیت و اجرا نزدیک می‌شویم یا از اخلاقیاتی با رنگ و بوی صنفی و حرفه‌ای سخن می‌گوییم، ارزش‌های عام مورد قبول دین و ویژگی‌های خاص صنف و حرفه در تعیین قواعد اخلاقی دخالت بیشتری پیدا خواهند کرد؛ اما به هر حال تمامی ساختار و اجزای تمامی این نظامات از آموزه‌های دینی عمیقاً متأثر می‌شود.

اخلاق توصیفی نیز هنگامی که به توصیف تحولات اخلاقی در میان مسلمانان و افراد شاخص

در اسلام می‌پردازد، نیازمند نظام‌سازی شده و ناگزیر است بنا بر تعریف هفتم از تعاریف نظام، به ترسیم مسیر حرکت بپردازد. در توصیف مسیر تحول اخلاقی اولیای خدا و جوامع تحت سرپرستی ایشان، افزون بر داده‌های تاریخی پیرامون زندگی ایشان، داده‌های نظام اخلاقی اسلام با تعاریف مختلف مورد اتکا خواهد بود. این داده‌ها می‌تواند اهداف آن بزرگان را به ما نشان داده و حرکت‌های مبهم ایشان را توضیح دهد. اینکه پیامبر ﷺ پس از پیروزی به تألیف قلوب مشرکان پرداخته و اینکه احترامی فوق‌العاده برای کودکان قایل شده و اینکه تلاش می‌کند یهودیان پس از او در شبه جزیره باقی نمانند، همگی با درک مسیری که او بر اساس نظام اخلاقی اسلام برای جامعه در نظر دارد، قابل تحلیل و توضیح است. البته در این توضیح داده‌های تاریخی نقشی پررنگ دارند و شرایط دقیق تصمیمات اخلاقی پیامبر ﷺ را روشن می‌کنند.

تربیت اخلاقی نیز یکی از عرصه‌هایی است که نیاز به نظام‌سازی دارد تا طرح‌های دینی، چه در قالب ترسیم مسیر یک متحرک - تعریف هفتم - و چه در شکل یک ساختار سلسله‌مراتبی - تعریف ششم - ارائه شود. این نظام‌سازی حتی در بخش‌های مختلف تربیت اخلاقی نیز قابل تصور است تا چگونگی و مسیر برخورد دین با مسائل و مشکلات در تربیت اخلاقی به نمایش درآید. در ارائه نظام تربیت اخلاقی اسلام و خرده‌نظام‌های آن همواره محتاج گفت‌وگو درباره اهداف، اصول، مراحل و روش‌هایی هستیم که اسلام برای تربیت اخلاقی ارائه کرده است. همه این گفت‌وگوها یا مستقیماً بر پایه آموزه‌های قرآن و سنت قرار می‌گیرد یا - همان گونه که گفتیم - در مرحله تفریع و تطبیق بر همان پایه استوار می‌گردد.

در ترتیب منطقی باید چند بحث را بر سایر گفت‌وگوها مقدم داشت: ۱. مسیر تحول و منازل سیر انسان تا مقاصد دین؛ ۲. ساختار ارزش‌های دینی؛ ۳. تربیت اخلاقی. البته بحث اخیر قابلیت آن را دارد که در صورت تفکیک میان عرصه اخلاق و تربیت به مباحث نظام تربیتی اسلام منتقل شود؛ همچنین می‌توان گفت‌وگو از مبانی قریبه نظام اخلاقی اسلام و منطق آن را دارای تقدمی رتبی بر سایر مباحث دانست.

در بحث نظام اخلاقی اسلام گفت‌وگوهای فراوانی در ذیل این عنوان شکل می‌گیرد که به حوزه‌های مختلفی تعلق دارد؛ مثلاً گفت‌وگوی نظام اخلاق سیاسی بحثی اخلاقی است، اما ناظر به ساحتی خاص از زندگی اجتماعی. این نوع نظام‌ها را می‌توان زیرنظام اخلاقی دانست که شمار آن به

تعدد ساحت‌های فردی و اجتماعی خواهد بود؛ همچنین گفت‌وگوها در خصوص عناصری از این نظام اگر با رویکرد نظام‌سازی انجام شود، داخل در گفت‌وگوهای نظام اخلاقی است؛ زیرا آنچه در صدد انجام آن هستیم، ساختن پاره‌ای از نظام اخلاقی است. البته هنگامی که بحث‌ها کاربردی می‌شوند و به سمت تحلیل و تجویز در شرایط خاص میل می‌کنند، ترکیبی میان آموزه‌های نظام اخلاقی و مطالعات پیرامون شرایط خاص رخ می‌دهد و بحث از نظام‌ها صرفاً به عنوان پیش‌نیاز در گفت‌وگوها دخالت خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

گفت‌وگوی نظام‌مند از اخلاق، چه در عرصه بررسی فضایل و رذایل -علم اخلاق- و چه در بحث نظام ارزش‌ها- معنای امروزی اخلاق -و حتی در عرصه‌های اخلاق توصیفی و تربیت اخلاقی ضرورتی تام دارد. از میان تعاریف نظام یا سیستم باید قالبی را برگزید که متناسب با نیازها و اهداف ما باشد. تنظیم مباحث عملی اخلاق مانند بحث فضایل و رذایل، مباحث تربیت اخلاقی و همچنین اخلاق توصیفی در قالب هفتم یعنی با تعیین مسیر حرکت از آغاز تا انجام، کاربردی‌تر است. قالب ششم یعنی ارائه گزاره‌ها بر اساس ترتیب اثبات برای نظام‌های توصیفی مانند نظامات ارزش‌های اخلاقی تناسب بیشتری دارد.

برای ترسیم یک نظام فردی یا اجتماعی پاسخ‌گویی به چند سؤال کلیدی کافی است و تمامی یک نظام بر دوش همین پاسخ‌های بنیادین بنا خواهد شد؛ نظامی که فرازمان و فرامکان است و با ترکیب با شرایط زمانی و مکانی خاص به نظامی متناسب با شرایط بدل می‌شود. در ترتیب منطقی باید چند بحث را بر سایر گفت‌وگوها مقدم داشت: ۱. مسیر تحول و منازل سیر انسان تا مقاصد دین؛ ۲. ساختار ارزش‌های دینی؛ ۳. تربیت اخلاقی. در بحث نظام اخلاقی اسلام گفت‌وگوهای فراوانی در ذیل این عنوان شکل می‌گیرد که به حوزه‌های مختلفی تعلق دارد؛ مثلاً گفت‌وگوی از نظام اخلاق سیاسی اگرچه بحثی اخلاقی است، به ساحتی خاص از زندگی اجتماعی نظر دارد. این نوع نظام‌ها را می‌توان خرده‌نظام‌های اخلاقی دانست.

منابع و مأخذ

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول. ج ۲، قم: نشر جامعه مدرسین.
۲. تیلش، پل (۱۳۸۱). الهیات سیستماتیک. ترجمه حسین نوروزی، تهران: حکمت.
۳. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغة (للصباحي صالح). ج ۱، قم: انتشارات هجرت.
۴. صانعی دره‌بیدی، منوچهر (۱۳۷۸). فلسفه اخلاق و مبانی رفتار. ج ۲، تهران: انتشارات سروش.
۵. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلی الله عليهم. ج ۲، قم: مکتبه آية الله المرعشي النجفي.
۶. غنوی، امیر (۱۳۹۲). درآمدی بر فقه اخلاق. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۷. غنوی، امیر (۱۳۹۲). سلوک اخلاقی: طرح‌های روایی. ج ۱، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۸. غنوی، امیر (۱۳۹۷). سلوک اخلاقی: طرح‌های حکیمان و عارفان. ج ۱، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۹. غنوی، امیر (۱۳۹۷). سلوک اخلاقی: طرح‌های برگرفته از کتاب و سنت. ج ۱، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۰. غنوی، امیر. سلوک اخلاقی: طرح‌های قرآنی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العين. ج ۲، قم: انتشارات هجرت.
۱۲. کشی، محمد بن عمر (۱۳۶۳). رجال الکشي - اختيار معرفة الرجال. مع تعليقات ميرداماد الأسترآبادي، ج ۱، قم: مؤسسة آل البيت ع. ۱۳۶۳ ش.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافي. ج ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
15. <https://www.fusd1.org/site/default.aspx?PageType=3&ModuleInstanceID=17620&ViewID=7b97f7ed-8e5e-4120-848f-a8b4987d588f&RenderLoc=0&FlexDataID=26616&PageID=13633>.
16. <https://www.yourdictionary.com/system#websters>.
17. <https://dictionary.cambridge.org/pl/dictionary/english/system>.

18. <https://www.yourdictionary.com/system#websters>.
19. <http://www.businessdictionary.com/definition/system.html>.
20. <http://fa.wikishia.net>.
21. <http://www.businessdictionary.com/definition/system.html>.

